



خط ترکیبی ژاپنی

نوشته شیر و نودا

سرشت ترکیبی خط ژاپنی عاملی کمکی برای تأثیرگذاری و

انعطاف بیشتر است

سال علم علوم انسانی

نوشته چینی از طریق متون بودایی به ژاپن راه یافته بود. علائم کلمه‌ای کانجی مشتق از نوشتار چینی است که در آن زمان حق انحصاری طبقه روشنفکر بود. این شیوه نوشتار توسط مقامات کنسوری، در دربار سلطنتی و توسط گاهانان بودایی برای خواندن و ثبت اسناد مذهبی به کار می‌رفت. عامه مردم از آن استفاده نمی‌کردند.

نشانه گذاری چینی به‌رغم مفید بودنش یک عیب عمده داشت که معلول تفاوت بنیادی ساختار نحوی این دو زبان

گرچه محققان دربارهٔ منشأ زبان ژاپنی هنوز توافق کامل ندارند، ولی در مورد منشأ نظام نشانه گذاری آن قطعاً ابهامی وجود ندارد.

نظام نشانه گذاری فعلی ژاپنی، آمیزه‌ای است از چهار شکل متفاوت: ۱) کانجی (علائم اندیشه‌نگار) ۲) هیراگانا و ۳) کاتاگانا (مجانگاره‌ها) و ۴) رومن (آوانگاره‌ها).

در این مورد اتفاق نظر هست که نوشتار ژاپنی به قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد، به دورانی که پیش از آن

نشانه شاکامی، روی یک
پاتل چوبی

شیر و نودا

مورخ و زبان‌شناس ژاپنی که
درحال حاضر استاد بخش ژاپنی
دانشگاه ملی ریوکیا و

تندیس‌های سفیدی «در بارش است»
مطابق این شماره. خلاصه شده
یک پژوهش مفصل‌تر است.

بود. اندیشه‌نگارهای چینی باید با زبان ژاپنی تطبیق می‌یافت تا قابل خواندن باشد. برای این مقصود نوعی نظام خواندن ابداع شد. این نظام «کاترین» (تشان ارجام) نامیده می‌شد. علائم اشاره‌ای که در سمت چپ حروف چینی گذاشته می‌شد تا نظم و ترتیبی را که خط می‌بایست به آن صورت خوانده می‌شد نشان دهد. اما کانسجی سخت‌تر از آن بود که آن را بتوان در زبان روزمره به کار برد، و یک جملۀ ژاپنی نوشته شده به کانسجی خیلی غیرطبیعی به نظر می‌آمد.

صوت حروف

تا آغاز دورۀ چینان (اواخر قرن ششم و اوائل قرن نهم) وضعیت زبانی در ژاپن چنین بوده تا اینکه باتوان دربار نوعی هجانگاری شکسته به نام هیراگانا را ابداع کردند که مرکب از نشانه‌هایی برگرفته از حروف چینی بود که به سببان قابل توجهی به شیوۀ ژاپنی ساده شده و ترکیب نو یافته بود. این واقعه در تحول زبان ژاپنی بسیار با اهمیت بوده زیرا ابداع هیراگانا صرفاً یک دگرگونی مورفولوژیک از حروف چینی نبود. یک کانسجی، مثل هر اندیشه‌نگار می‌توانست بی‌انگار یک اندیشه، یک مفهوم یا یک تصور باشد، اما هیراگانا بعد نوبتی به خط ژاپنی افزود که ثبت آوایی کلمات به صورتی مجزا از نظام اندیشه‌نگار بود.

امتیاز بزرگی که هیراگانا بر کانسجی داشت این بود که به زبان ژاپنی امکان می‌داد تا بتواند به زبان روزمره دربارهٔ زندگی روزمره بنویسد. ابداع هیراگانا موجب پیدایش یک ادبیات صد درصد ژاپنی گردید، که معروفترین نمونه آن حکایت چینی است که در آغاز قرن یازدهم توسط یک بانوی درباری به نام موراساکی شیکیبو نگارش یافت.

در همان زمان، در اواخر قرن هشتم، سومین نوع نوشتن (کاتاکانا) توسط راهبان بودایی ابداع شد تا وسوئراها آسانتر خوانده شود و آیین بودا در میان دهقانان اشاعه پیدا کند. کاتاکانا از همان اصل ساده کردن حروف چینی به تناسب



تصویری از توفولو، خوشنویس ژاپنی، از دیدار خود، قلمش قرن دوازدهم.

ملاطحات آوایی آنها پیروی کرد. امروزه کاتاکانا عمدتاً برای آواتوسی کلماتی که از زبانهای دیگر اخذ می‌شود نیز کاربرد دارد.

همه‌ساله در شب سال نو یک مسابقه خوشنویسی بین معاصرین برپا می‌گردد.

سادگی

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا ژاپنی‌ها یکی دیگر از نظامهای تشریحی (هیراگانا، کاتاکانا یا رومن) را که خواندن متون ژاپنی را آسانتر می‌سازد موردتقیاس قرار ندادند و به ترکیبی از این چهار شکل پرداخته‌اند. پاسخ ساده است. نظامهای مربوط به نمایش آوایی زبان ژاپنی مستلزم روی آوردن به یک نظام خطی است که فرایند خواندن را کندتر سازد و به همان قیاس درگ متن را به تعویق بیندازد، درحالی که جهانی بودن علائم اندیشه‌نگار به معنای آن است که پس از آنکه یکبار به حافظه سپرده شد به محض دیدن شناخته و درگ می‌شود. ولی تناقض در اینجاست که نتیجهٔ استفاده از این چهار نوع نوشتن درهم ادغام شده، افزایش تأثیر و اعتقاف‌پذیری شیوۀ نوشتن ژاپنی است. بی‌جدگ این نظام در واقع نقش یکک ساده‌ساز محکمه را دارد.

